

بررسی مجازات والدین در صورت قتل فرزند از منظر حقوق جزا

کامله مرتضوی^۱، مرضیه دیرباز^۲

چکیده

قتل از جمله جرایمی است که می‌تواند به صورت عمد، شبه‌عمد یا خطای محض واقع شود و ناظر بر سلب حیات از انسان است. قتل فرزند توسط والدین، عملی است که به طور عمدی یا غیرعمدی منجر به مرگ فرزند می‌شود. در تعریف قانونی، فرزندکشی عبارت است از: سلب ارادی و ظالمانه حیات فرزند توسط پدر یا مادر بالغ و عاقل. قوانین کیفری ایران که برگرفته از نظریات فقهای امامیه است، در موضوع قصاص پدر و مادر در قتل فرزند نیز از این مبانی فقهی تبعیت می‌کند. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فقهای امامیه، با استناد به روایات منقول از ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، اتفاق نظر دارند که اگر پدر یا جد پدری، فرزند خود را به طور عمدی به قتل برساند، قصاص نمی‌شود، اما این حکم در مورد مادر و سایر خویشاوندان مقتول جاری نیست. هرچند برخی فقها در این زمینه به اجماع استناد کرده‌اند، اما گروهی از فقهای معاصر و بسیاری از فقهای اهل سنت با این حکم مخالف‌اند.

واژگان کلیدی: قصاص، مجازات، والدین، قتل فرزند.

۱. مقدمه

قتل از جرایمی است که می‌تواند عمد، شبه‌عمد یا خطای محض باشد. قتل نسبت به جان افراد رخ می‌دهد و توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شده است. در جرم قتل عمد، مجرم با علم، آگاهی و قصد، عملی را انجام می‌دهد که باعث مرگ شخص دیگر می‌شود. قتل عمد می‌تواند

۱. دانش‌آموخته کارشناسی حقوق، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

با فعل یا ترک فعل صورت گیرد. قتل عمد یعنی، کشتن و یا کشتار و آن عبارت است از به حیات دیگری لطمه وارد کردن، خواه به واسطه عمل مادی و فیزیکی باشد خواه به واسطه ترک فعل. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۱، ص ۵۲۳) در قتل شبه عمد، مرتکب، قصد فعل یعنی، قصد صدمه و آسیب رساندن به دیگری را دارد، اما قصد نتیجه (کشتن) را ندارد. در قتل خطای محض، مرتکب نه قصد فعل و نه قصد نتیجه (کشتن دیگری) را دارد. قتل فرزند توسط والدین زمانی محقق می شود که یکی از والدین یا هردوی آنها عملی را انجام دهند که به عمد یا غیرعمد، سبب کشتن فرزند خود شوند.

در تعریف قانونی، فرزندکشی به صورت سلب ارادی و ظالمانه حیات فرزند به وسیله پدر و مادر بالغ و عاقل تعریف می شود. در این تعریف برای تحقق قتل عمد فرزند، جانی (پدر یا مادر) باید علاوه بر نیت قتل، فعلی در حد انتساب قتل مرتکب شود. به عبارت دیگر، مجرد اندیشه مجرمانه و قصد قتل فرزند کفایت نمی کند، بلکه باید با انجام عملی، قتل محقق شود و آن فعل در ایجاد جنایت نقش داشته باشد. بنابراین، اگر بعد از فعل غیرکشنده ای که قابلیت ایجاد قتل را ندارد مرگ حادث شود، ضارب مسئول شناخته نمی شود؛ زیرا احتمال اسناد جنایت به آن فعل حتی به طور نادر وجود ندارد. بنابراین، جنبه ایجابی فعل پدر و مادر، نقش اساسی در تحقق جرم عمدی فرزندکشی دارد، البته همچنان که در تبیین و تشریح قتل عمد گفته می شود در مواردی که پدر یا مادر قصد صریح بر قتل فرزند یا فرزندان خود داشته باشند دیگر ویژگی یعنی، «غالباً کشنده بودن» فعل ارتكابی ضروری نیست و به هر صورت و با هر وسیله ای که جنایت انجام شود قتل عمد محسوب می شود. به عبارت دیگر، اگر جانی قصد قتل داشته باشد فعل ارتكابی هرچند در ایجاد جنایت صلاحیت نداشته باشد به طور عملی، قتل عمد محسوب می شود. (اسحاقی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵) در این شرایط، بسته به اینکه جرم توسط کدام یک از والدین محقق شده باشد و نوع قتل چه باشد مجازات متفاوتی اعمال خواهد شد.

۲. فلسفه قصاص

مجازات اعدام از مجازات‌هایی است که در سال‌های اخیر با چالش‌هایی در حوزه نظر و عمل مواجهه بوده است. از جنبه نظری، دانشمندانی مانند بکاریا در رساله جرایم و مجازات‌ها و پیروانش، این مجازات را خلاف نظریه قرارداد اجتماعی می‌دانند، هرچند دانشمندان بزرگ دیگری مانند بنتام، روسو و منتسکیو با وی هم‌عقیده نیستند و پاسخ‌های محکمی درمقابل آن دارند. این بحث به قدری جدی است که در سطح سازمان‌های بین‌المللی و مهمترین آن یعنی، سازمان ملل نیز مطرح شده است. در ۲۱ نوامبر ۱۹۵۰ مجمع عمومی سازمان ملل در چهاردهمین دوره کاری خود به موجب تصمیم ۱۳۹۶ به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان مأموریت داد تا درباره اعدام و قوانین مربوط و طرز عمل آن مطالعه کند و نتایج و آثار ابقا و الغای مجازات اعدام را در زمینه جرم‌شناسی بررسی کند. مارک آنسل، مستشار دیوان کشور فرانسه و مدیر بخش حقوق تطبیقی پاریس، گزارشی درباره مجازات اعدام مطرح کرد که بعدها در سال ۱۹۶۲ منتشر شد. وی با ارائه ارقام و آمار، نتیجه گرفت که تمایل جامعه جهانی به سمت الغای مجازات اعدام و جایگزین کردن آن با زندان و اقدامات تأمینی و تربیتی است. بنابراین، به نظر می‌رسد گذری کوتاه به فلسفه قصاص ضروری است و اینکه چرا در قرآن و شریعت اسلام به قصاص تا این حد اهمیت داده شده است و چرا قرآن، قصاص را زنده شدن می‌داند. این مهم در مورد قصاص پدر و مادر در قتل فرزند چه تأثیری دارد. آیا باید گفت قصاص نشدن پدر در قتل فرزند استثنایی است بر اصل کلی یا باید گفت قصاص حکمی است عارضی. قصاص به طور عمومی به مجازاتی درمقابل وارد شدن صدمات جسمانی عمدی تعبیر شده و در میان کشورهای مسلمان به‌ویژه عربستان و ایران اجرا می‌شود. اجرای حکم قصاص در درجه اول و در صورت تمایل شاکی (قربانی) می‌تواند ازسوی شخص وی یا نزدیکان درجه یک انجام شود و در درجه دوم در صورت عدم توانایی شاکی به انجام حکم، قصاص ازسوی مراجع قضایی انجام می‌شود. در صورت گذشت شاکی از انجام قصاص، وی مجاز به دریافت دیه با حکم قاضی خواهد بود.



۳. دیه

دیه یا خون بها در اسلام عبارت از مالی است که به سبب جنایت بر بدن انسان توسط جانی به وی یا ورثه او پرداخت می شود. در تعریف حقوقی، دیه، کیفر نقدی است که از مجرم به نفع مجنی علیه یا قائم مقام او گرفته می شود. دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است. (محسنی، بی تا، ص ۱۳) شایان ذکر است که دیه نیز بخشودنی است و شاکی یا اولیای دم در مواردی مانند وقوع قتل، حق گذشتن، هم از قصاص و هم دیه را دارند و متهم تنها به دلیل جنبه عمومی جرم، بنابر دستور قاضی مدتی معلوم زندانی می شود، اما قصاص، نوعی مجازات اسلامی است که موافقان و مخالفانی دارد. موافقان این مجازات آن را عاملی بازدارنده از وقوع جرایم مشابه بعدی می دانند و نیز انجام قصاص را حمایت از حق مظلوم می دانند.

قرآن کریم می فرماید: «و لکم فی القصاص حیاة یا اُولی الألباب؛ ای صاحبان خرد! قصاص برای شما موجب حیات و زندگی است» (بقره: ۱۷۹). مخالفان قصاص، آن را عملی غیرانسانی و نوعی مقابله به مثل نامعقول می دانند و تأکید می کنند در جوامعی که قصاص در قالب نوعی مجازات اجرا می شود آمار جنایات مشمول این مجازات، هیچ تغییر محسوسی به خود ندیده است. این گروه معتقد هستند که با وجود فلسفه قصاص مبنی بر تساوی کامل میان جرم و مجازات، این مسئله جز در مواردی نادر محقق نیست؛ زیرا عواملی مانند زمان و مکان وقوع جرم، خصوصیات مجرم و مجنی علیه (فرد مورد جنایت قرار گرفته) و... بر شدت و ضعف جرایم تأثیرگذار بوده و بی شک رعایت تمام این موارد هنگام قصاص ناممکن است.

۴. مجازات پدر در جرم فرزندکشی

۴-۱. نظر فقهای امامیه

حقوق جزایی ایران به رابطه پدر و فرزند و حقوق ولایت پدر و جد پدری نسبت به فرزند بیش از روابط عاطفی مادر توجه کرده و در این مورد، قتل فرزند، حکم خاصی دارد. در ماده

۳۰۱ قانون مجازات اسلامی آمده است: «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد». از قواعد مسلم نزد امامیه آن است که پدر در صورتی که فرزندش را به قتل برساند، قصاص نمی‌شود. در این مسئله، اختلافی بین فقهای امامیه نیست. بر همین اساس، همگان انتفای ابوت را در قصاص معتبر می‌دانند. امامیه بر این مدعای خود به دلایلی استدلال می‌کنند که عبارتند از: روایات و نصوص (اولین دلیل امامیه بر حکم مذکور، روایات و نصوصی است که در مقام موجود است و از نظر سند صحیح، از نظر دلالت، واضح و روشن است و از نظر عمل نیز شرایط لازم را دارد و هیچ یک از اصحاب نیز از آن اعراضی نکرده و همگان به آن عمل کرده‌اند)؛ اجماع؛ شهرت؛ و مؤیدات موجود در متون فقهی.

۵. مفهوم شرط انتفای ابوت

قانون مجازات اسلامی به تبعیت از آرای فقهای امامیه برای ثبوت حق قصاص، به طور صریح، انتفای ابوت را لازم می‌داند. منطق این جمله خبری این است که برای اینکه حق قصاص برای اولیای دم پدید آید قاتل نباید پدر مقتول باشد. بنابراین، وجود رابطه پدر- فرزند مانع قصاص می‌شود. نکته مهم این است که بر اساس روایات اسلامی، رابطه ابوت که مانع قصاص می‌شود شامل پدر بزرگ پدری و هرچه که بالاتر رود نیز می‌شود. بنابراین، اگر پدر بزرگ پدری یا پدر پدر بزرگ پدری، نوه یا نتیجه خود را بکشد قصاص نمی‌شود، البته لازم به ذکر است که روایات تنها رابطه پدر- فرزند را مانع ثبوت قصاص دانسته و هر رابطه دیگری به جز آن را مشمول قواعد عمومی دانسته‌اند. مبنای پیدایش این حکم که برخلاف قواعد عمومی قصاص است مجموعه روایاتی است که از معصومین علیهم السلام نقل شده و عموم آیات قرآن در مورد قصاص را تخصیص زده است. مجموعه احادیثی که در این زمینه با سند معتبر موجود است، دوازده روایت است که برخی از آنها عبارت است از:

صحیحہ حمران: حمران از امام محمد باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «والد به قتل فرزندش قصاص نمی شود و در صورتی که فرزند، والدش را عمداً به قتل برساند، کشته می شود». (عاملی، ۱۴۱۲، ۵۶/۱۹)

- حلبی از امام صادق علیه السلام در مورد پدری که پسرش را کشته است، سؤال می کند: «آیا به خاطر قتل فرزندش کشته می شود. آن حضرت فرمود: خیر» (عاملی، ۱۴۱۲، ۵۶/۱۹).

- فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: «مرد به فرزندش اگر او را بکشد، کشته نمی شود و فرزند به والدش اگر او را بکشد، کشته می شود» (کلینی، ۱۴۰۸، ۲۹۰/۵).

- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پدر در برابر فرزند، قصاص نمی شود» (کلینی، ۱۴۰۸، ۲۹۰/۵).

- صحیحہ ظریف: امام علی علیه السلام فرمود: «اگر والدی عیبی مانند قطع عضو و غیر آن بر فرزندش وارد کند برای فرزند دیه می باشد و پدر قصاص نمی شود» (کلینی، ۱۴۰۸، ۵۷/۵).

قانون گذار اسلامی هم بر مبنای روایات معتبر و صحیحہ وارده از معصومین علیهم السلام و به پیروی از آرای فقهای شیعه و بسیاری از فقهای اهل سنت در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود»، البته این به معنای مصون بودن پدر از تعقیب کیفری نیست.

۶. عناصر جرم قتل فرزند توسط پدر

۶-۱. عنصر مادی

الف) موضوع جرم:

ب) مرتکب (پدر و مادر): رفتار مرتکب؛ قتل عمدی فرزند در حال حیات است. اگرچه نمی توان منکر شد که جنین نیز از حمایت کامل برخوردار است و ارتکاب جنایت، مستوجب مجازات های گوناگون خواهد بود، در قانون جزای اسلام و قوانین فعلی جهان، سقط جنین را به دلیل قتل

عمدی مجازات نمی‌کنند، پس در تحقق جرم فرزندکشی، وجود حیات خارج از رحم مادر در لحظه وقوع جرم از شرایط حتمی و الزامی است.

۶-۲. عنصر معنوی

برای تحقق جرم فرزندکشی، قصد فعل و قصد شخص معین و قصد نتیجه و آگاهی جانی از کشنده بودن فعل لازم است. (اسحاقی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵)

۶-۳. عنصر قانونی

ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی بیانگر این مهم است. بنابراین، رابطه ابوت به طور انحصاری، قصاص را منتفی می‌کند، ولی دیه و كفاره سرجای خود است. علاوه بر آن، قاتل به مجازات تعزیری نیز محکوم می‌شود. صرف وجود رابطه ابوت، مانع ثبوت قصاص است، اگرچه پدر کافر، فرزند مسلمان خود را به قتل برساند (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۸)؛ زیرا مقتضی منع قصاص موجود بود و علاوه بر آن، اصل عدم اشتراط امر دیگر نیز موجود است (اسحاقی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵).

۶-۴. مستندات و دلایل استثنای پدر از حکم قصاص

سؤال: قرآن کریم به صراحت در آیات متعدد، قتل فرزندان توسط والدین را گناهی بزرگ دانسته است. آیه ۱۴۰ سوره انعام می‌فرماید: «قد خسر الذین قتلوا أولادهم سفها بغير علم؛ قطعاً زیان کردند کسانی که فرزندان خود را از روی سبک مغزی و جهالت کشتند». همچنین آیه ۱۵۱ سوره انعام می‌فرماید: «و لا تقتلوا أولادکم من إملاق نحن نرزقکم وإیاهم؛ و فرزندان خود را از بیم تنگ دستی مکشید که ما هم شما را و هم آنان را روزی می‌دهیم». خداوند در آیات ۸-۹ سوره تکویر، دخترکشی اعراب جاهلی را نکوهش می‌کند: «وإذا الموءودة سئلت بأی ذنب قتلت؛ در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده، سؤال شود: به کدامین گناه کشته شدند».

آیا عدم قصاص پدر در قتل فرزند در تناقض با این آیات صریح و تشویق به این کار نیست. گفتنی است که این آیات در مقام نکوهش از رفتارهای غلط مرسوم جاهلیت در کشتن دختران، قربانی کردن فرزندان در پای بت‌ها و یا کشتن آنها از ترس فقر و روزی نداشتن است تا

این سنت‌های ناصواب را براندازد. با وجود این نهی صریح و وجود حکم قصاص قاتل در قرآن، برای مرتکبان این اعمال زشت، مجازاتی در قرآن تعیین نشده و گزارشی هم مبنی بر قصاص این‌گونه افراد در زمان پیامبر ﷺ مشاهده نشده است. بنابراین، عدم قصاص این‌گونه والدین به معنای تأیید فرزندکشی یا تشویق به آن نیست. در موضوع قصاص قاتل و استثنا شدن پدر از قصاص براساس نظر مشهور فریقین، فقط عمل قصاص استثنا شده است، اما سایر مجازات‌ها برای پدر قاتل در نظر گرفته شده است. در روایت جابر از امام باقر (ع) در مورد کسی که فرزند خود را به قتل رسانده، نقل شده است که فرمود: «پدر قصاص نمی‌شود، بلکه شدیداً مورد ضرب قرار گرفته و تبعید می‌شود».

باید توجه داشت که سقوط قصاص نفس از پدر به معنای رفع مسئولیت از او به طور مطلق نیست. اداره حقوقی قوه قضائیه در قالب یک نظریه مشورتی اعلام داشته است: «عدم اجرای حکم قصاص در مورد پدر به معنای ممنوعیت تعقیب کیفری وی نیست، بلکه مراحل تعقیب وی انجام پذیرفته و النهایه به جای قصاص (در صورت محکومیت) از وی دیه اخذ می‌شود». فقهای امامیه با وجود اینکه قائل به سقوط قصاص نفس در این مورد شده‌اند، ولی مجازات تعزیری را برای پدر به دلیل ارتکاب فعل حرام، لازم دانسته‌اند. همچنین، پدر باید دیه نفس را به سایر ورثه مقتول بدهد و خودش از دیه سهمی نخواهد داشت. کفاره قتل نیز از او ساقط نمی‌شود. براساس قول فقها، دیه پرداخت شده از سوی پدر به سایر ورثه فرزند مقتول به جز خود او تعلق می‌گیرد؛ زیرا قتل عمدی از موانع ارث محسوب می‌شود و چنانچه وارث، قاتل مورث خود باشد از ارث محروم خواهد شد. بنابراین، دیه‌ای که از جانب پدر در این فرض پرداخت می‌شود، هر چند جزو ماترک مقتول محسوب شده و به ورثه او خواهد رسید، ولی خود پدر به سبب ارتکاب قتل از ماترک متوفا ارث نخواهد برد.

۵-۶. دیدگاه موافق قصاص پدر

در بین فقها عده قلیلی برای ثبوت حق قصاص، شرط انتفای ابوت را لازم ندانسته‌اند و معتقد هستند که بین پدر و غیر پدر تفاوتی نیست و چنانچه پدر هم مرتکب قتل فرزند خود شود،

چون مرتکب جرم قتل عمدی با تمام ارکان و عناصر لازم آن شده است شایسته مجازات قصاص خواهد بود. مالک، یکی از فقهای سنی مذهب معتقد است که چنانچه بدون شبهه، عمد پدر احراز شود به مجازات قصاص محکوم می‌شود، البته مالک به طور کلی در عمدی بودن جنایت ارتكابی بر فرزند تشکیک کرده و آن را شبهه عمد می‌داند و چنین استدلال کرده که اول، از آنجاکه پدر، حق تأدیب فرزند را دارد و مرتکب فعل منتهی به جنایت شده است و دوم، شدت محبت پدر نسبت به فرزند مانع از آن می‌شود که وی به طور عمد، قصد جنایت بر فرزند خویش نماید، پس پدر مانند اجنبی متهم نیست و با وجود شبهه در تحقق عمد، کیفر قصاص ساقط و دیه ثابت می‌شود، البته مالک معتقد است در غیر این صورت با احراز عمد و قصد پدر می‌توان او را قصاص کرد.

در میان فقهای شیعه، فتوای آیت الله حیدری بر این است که به حکم اولی و در درجه اول، هرکس انسانی را از روی عمد بکشد حکمش قتل و قصاص (اعدام) است و تفاوتی نمی‌کند که قاتل با مقتول رابطه پدری و فرزندی داشته باشد یا نداشته باشد. لازم به ذکر است که مشهور فقهای متأخر و معاصر، تخصیص کتاب به خبر واحد را جایز می‌دانند، اما فقهای متقدم شیعه از جمله سیدمرتضی، شیخ طوسی و محقق حلی تخصیص را جایز نمی‌دانند. بر همین اساس، آیات عامی مانند «و کتبنا علیهم فیها أن النفس بالنفس؛ و بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان، باید قصاص شود» (مائده: ۴۵) و نیز آیه «و لکم فی القصاص حیاة یا أولى الألباب لعلکم تتقون؛ و ای خردمندان، شما را در قصاص زندگانی است، باشد که تقوا پیشه کنید» (بقره: ۱۷۹) بر عمومیت و فراگیری خود باقی مانده و روایات معارض طرد می‌شوند.

از دیدگاه وی با اینکه حکم اولیه قتل فرزند توسط پدر قصاص است، اما براساس قانون هر کشور و ازسوی نهادهای حقوقی باصلاحیت، باید هر قتلی به طور خاص و جداگانه بررسی و ارزیابی شود تا مشخص شود که قاتل در قتل عمد، توجیه قابل قبول و عقلایی داشته است یا خیر که در بیشتر موارد، قتل‌های عمد فاقد توجیه معقول بوده و قاتل حتی اگر پدر باشد

محکوم به قصاص و اعدام است مگر در موارد بسیار نادر که ممکن است قانون‌گذار به دلیل محقق بودن قاتل، حکم به عدم قصاص وی دهد.

۷. قتل فرزند توسط مادر

مشهور فقهای امامیه معتقدند که مادر را برای کشتن فرزند قصاص می‌کنند. (نجفی، ۱۳۶۳، ۱۷۴/۴۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۲، ۲۹۱/۱۰) فقهای امامیه برای نظر مذکور دلیل خاصی را ذکر نکرده‌اند؛ زیرا خروج از اصل، محتاج علت است و بقای بر اصل، علت نمی‌خواهد (قدرتی و حاجی علی، ۱۳۹۱، ص ۸۶).

۷-۱. ادله نظریه قصاص مادر در جرم فرزندکشی

- اطلاقات و عمومات آیات قصاص: آیات تشریع و وجوب قصاص عام و مطلق هستند و دلیل خاصی در خروج مادر از تحت عموم وجوب قصاص وجود ندارد. (اسحاقی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶)

- روایات: روایات اشاره شده مانند «لایقاد» از پیامبر ﷺ و از امام باقر و امام صادق (ع) در مسئله قبل که مخصص پدر از عمومات حکم قصاص بود را فقها مورد استناد قرار می‌دهند و می‌گویند فقط پدر استثناست و مادر داخل در تخصیص قرار نمی‌گیرد؛ زیرا مناط حکم رابطه ابوت است. بنابراین، بسیاری از فقهای امامیه، ادله خاص در خروج پدر از حکم قصاص را قابل تسری به مادر نمی‌دانند؛ زیرا معتقد هستند که کلمه «والد» ظهور در پدر دارد. (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۱۵۷/۱۵؛ مرعشی نجفی، ۱۴۱۵، ۳۶۷/۱)

باتوجه به استنباط از ادله دلالت لغوی کلمات «والد- ولد» و عموم روایات مخصص، رابطه والدیت و ولدیت برقرار است نه رابطه ابوت. همچنین قدر متیقن آن یعنی، ولدیت (دختر- پسر) آن هم بدون واسطه و والدیت (پدر- مادر) بدون واسطه است. بنابراین، قلمرو حکم عدم قصاص شامل پدر و مادر می‌شود. به عبارت دیگر، والد اختصاص به پدر ندارد، بلکه مادر را هم شامل می‌شود. برخی از فقها مانند شهیدثانی معتقد است که کلمه والد و رجل در متن روایات، تنها بر پدر صدق می‌کند. این اعتقاد درست نیست؛ زیرا کلمه والد و همچنین رجل بر

مادر هم صدق می‌کند و یک استعمال حقیقی است. برای نمونه براساس آیه «و بالوالدین إحسانا» مادر را والد نامیده است و واژه والد اعم از پدر و مادر است و مختص پدر نیست. شیخ صدوق در دلالت روایات در مورد کلمه والد در معنای مادر معتقد است که استعمال حقیقی است و مادر را همانند پدر شامل ادله استثنا می‌داند اگرچه این مطلب را به‌طور آشکار بیان نکرده است. (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ۲/۲۵۷) بنابراین، حکم عدم قصاص شمولیت نسبت به مادر دارد، همچنان که برخی از فقها معتقد هستند که عدم ذکر مادر در روایات مزبور یا به دلیل عدم ابتلا و یا از باب بدیهی بودن مسئله و تأیید آن است (صانعی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۶). حسینی شیرازی معتقد است که والد، مادر را هم شامل می‌شود همان‌طور که ولد شامل مذکر و مؤنث است. خداوند می‌فرماید: «و والد و ما ولد» (بلد: ۳). بنابراین، شمول والد بر مادر اقرب است (حسینی شیرازی، بی تا، ص ۱۴۴). باتوجه به نکات مطروحه در مورد تحدید موضوع حکم قصاص و دلالت واژه والد و عموم روایات مخصص، رابطه مذکور رابطه والدیت و ملاک حکم استثناء از اصل است.

لسان روایات و دلالت آنها در مورد عدم قصاص پدر در جرم فرزندکشی به منزله اثبات شیء است که نفی ما عدا نمی‌کند. بنابراین، الحاق مادر به حکم عدم قصاص بر عدم الحاق برتری دارد (ر.ک.، نجفی، ۱۳۶۳، ۲۴/۱۶۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۰، ۲/۲۰۳؛ طوسی، ۱۳۸۲، ۳/۸۰؛ خوانساری، بی تا، ۷/۲۳۲؛ موسوی الخمینی، ۱۳۶۳، ۲/۶۵۱؛ خویی، ۱۹۶۷، ۲/۴۷). باوجود آرای مخالف از متقدمان مانند ابن جنید اسکافی، تحقق اجماع محل اشکال است.

۷-۲. مسئله قتل فرزند توسط مادر در ایران

قانون‌گذار ایران، مسئله قتل فرزند توسط مادر را به قواعد عمومی واگذار کرده و نیازی به برقراری مقررات خاص ندارد. آنچه در قوانین خارجی، عوامل تخفیف مجازات قتل پیش‌بینی شده در حقوق ایران هم براساس قواعد عمومی حاکم بر جرائم تأمین می‌شود؛ زیرا این موارد منحصر به دو صورت است و هردو صورت تابع احکام عام است که عبارتند از:

یک صورت آن است که مادر، متأثر از زایمان و جمع شدن شیر در پستان از حالت عادی روانی خارج و بدون اینکه متوجه رفتار و کردار خود باشد مرتکب قتل می شود. حکم این حالت را می توان از ملاک ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامی به دست آورد: «اگر کسی بر اثر شرب خمر مسلوب الاراده شده، ولی ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد». مفهوم این ماده بیانگر آن است که مسلوب الاراده شدن جزو عوامل سالب مسئولیت کیفری است و شرب خمر که عامل سلب اراده در این ماده بیان شده است خصوصیتی ندارد، بلکه هر عاملی که سبب سلب اراده شود همین حکم را دارد مانند هیپنوتیزم، خواب، مصرف مواد مخدر و... پس زنی که با تأثیر زایمان و عوارض جانبی آن مسلوب الاراده می شود مسئولیت کیفری ندارد، نهایت اینکه مسئولیت وی تخفیف یابد.

این ادعا منطقی به نظر نمی رسد؛ زیرا قوانین خارجی که مجازات مادر را در این حالت تخفیف یافته می دانند نظر به صورتی ندارند که مادر به کلی مسلوب الاراده شده باشد وگرنه دادگاه باید حالت مسلوب الارادگی را احراز کند، اما دادگاه ها به دنبال احراز چنین حالتی نیست، بلکه صرف قتل در این زمان را موجب تخفیف مجازات می داند. پس حالت مسلوب الارادگی با حالت عدم تعادل روانی ناشی از زایمان تفاوت دارد. ممکن است گفته شود حالت زایمان مشمول ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی است: «جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است».

۷-۲-۱. نظریه فقهای عامه

- نظریه عدم قصاص مادر در جرم فرزندکشی: فقهای مذاهب اهل سنت از جمله حنبلی، حنفی و شافعی معتقد هستند که مادر همانند پدر برای کشتن فرزندش قصاص نمی شود. (ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۴۷۷/۹؛ بهوتی، ۱۴۱۸، ۶۲۲/۶) فقهای عامه برخلاف فقهای امامیه، مادر را همانند پدر در صورت کشتن فرزند از قصاص معاف می دانند.

- ادله نظریه عدم قصاص مادر در جرم فرزندکشی: پیامبر ﷺ فرمود: «لا یقاد لوالد من ولده». یا به روایت دیگر: «لا یقاد لابن من ایه». این روایت، یکی از ادله معافیت پدر از قصاص در صورت قتل فرزند است. فقهای اهل سنت از این روایت برای توجیه عدم قصاص مادر در قتل فرزند نیز استناد می‌کنند و معتقد هستند که واژه «أب» که در متن روایت به کار رفته است هم شامل پدر و هم شامل مادر می‌شود؛ زیرا مادر یکی از ابوین (والدین) به شمار می‌آید و همانند پدر مشمول حکم عدم قصاص است.

- قیاس اولویت و استحسان: مادر نیز همانند پدر، یکی از والدین فرزند محسوب می‌شود و حتی بیش از پدر سزاوار نیکی و احترام است. بنابراین، به منع قصاص سزاوارتر است و اولویت دارد. همچنین ولایت پدر باعث نمی‌شود که مادر از شمول حکم عدم قصاص خارج شود. (ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۳۶۰/۹؛ عوده، ۱۴۰۲، ۱۵۸/۲) از این رو، از باب قیاس اولویت، حکم عدم قصاص پدر به مادر تسری داده می‌شود و از باب استحسان عقلی نیز حکم به عدم قصاص مادر داده می‌شود.

- مادر، یکی از عوامل ایجاد فرزند: همان طور که پدر عامل به وجود آمدن فرزند است و فرزند نمی‌تواند عامل وجود خود را ازین ببرد این تعلیل در مورد مادر نیز صادق است. به عبارت دیگر، مادر نیز سبب پیدایش فرزند است. بنابراین، مادر نیز از قصاص معاف است. (زیدان، ۱۳۹۴، ص ۱۰۲)

- قاعده درأ: همان طور که فقهای عامه، قصاص پدر را از مصادیق شبهه می‌دانند که موجب سقوط قصاص می‌شود، معتقد هستند که می‌توان قصاص مادر را نیز از مصادیق شبهه دانست و براساس قاعده درأ، حکم به سقوط قصاص مادر داد. به توضیح بیشتر، شدت محبت مادر به فرزند، مانع از تحقق قصد منجر قتل می‌شود و این شبهه برای سقوط قصاص کافی است. (ایزدی و نبی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۱۹) بنابراین، شک در مجازات مادر، مجرای قاعده درأ خواهد بود (مالک بن انس، ۱۴۱۵، ۱۰۸/۶). فقهای اهل سنت معتقدند که مادر بزرگ و اجداد

بالاثر نیز همانند مادر هستند و مادر بزرگ چه پدری و چه مادری به سبب قتل نوه خود کشته نمی شود.

۸. نتیجه گیری

از دیدگاه شریعت اسلام به دلیل اشتراکات تکوینی میان زن و مرد، نود درصد حقوق آنها مشترک است و در ده درصد باقی مانده در نیمی از موارد، زن باتوجه به ویژگی های زنانه و در نیمی دیگر، مرد باتوجه به خصوصیات مردانه، احکام خاصی دارند. اگرچه این قاعده که احکام الهی براساس مصالح و مفسد واقعی وضع شده اند، صحیح است، اما باید متذکر شد که کشف این مصالح و مفسد جز در مواردی که در دین به صورت صریح بیان شده بسیار دشوار است؛ زیرا اول، کشف این امور نیازمند امکانات وسیع در ابعاد مختلف علمی است و دوم، انسان هر قدر از نظر علم و صنعت پیشرفت کند معلومات او در برابر مجهولاتش مانند قطره ای در برابر دریاست: «و ما أوتیتم من العلم إلا قليلا» (اسراء: ۸۵).

شاید یکی از علت های عدم بیان فلسفه تمام احکام ازسوی اولیای دین این باشد که بیان تمام اسرار احکام برای انسان هایی که بسیاری از حقایق علمی برایشان کشف نشده است، امکان پذیر نیست. علاوه بر این، هدف اصلی دین و شریعت، آراستن انسان ها به فضایل علمی و عملی و دوری از رذایل فکری و عملی است و این هدف با عمل به شریعت حاصل می شود، حتی اگر افراد فلسفه و علت احکام را ندانند همان گونه که بیمار با اجرای دستورات پزشک بهبود می یابد بدون آنکه از فلسفه داروها و دستورات آگاه باشد. مجتهد و فقیه سعی می کند با استفاده از منابع دینی، به استنباط احکام شرعی به گونه ای که مورد رضای خداوند باشد، بپردازد، اما با موانع متعددی مانند صحت سنجی احادیث، فهم دقیق لغات و عبارات روایی، محدودیت منابع و... روبه روست. با این حال، تمام سعی او رسیدن به حکم واقعی خداوند است و اگر ناخواسته در استنباط خطایی از او سرزند، مقصر نیست و معذور است؛ زیرا نهایت تلاش خود را به کار بسته است. براین اساس، مبنای فقهی استثنای پدر از قصاص، روایاتی است که به دست فقیه رسیده و او براساس آنها به چنین استنباطی دست یافته است.

در زمینه مجازات پدر در جرم فرزندکشی، فقهای امامیه معتقد هستند که پدر با استناد به روایات، اجماع و نقش فاعلی در به وجود آمدن فرزند، قصاص نمی‌شود. فقهای عامه نیز با استناد به روایات، حق ولایت، قاعده درأ، حرمت و محبت پدر به فرزند، قائل به عدم قصاص پدر هستند. بسیاری از فقهای امامیه حکم عدم قصاص پدر را به مادر تسری نمی‌دهند و آن را رد می‌کنند. مهمترین ادله قائلین به قصاص مادر، عمومیت آیات و روایات قصاص و اجماع است. درمقابل، تعداد کمی از فقهای امامیه و تمام فقهای عامه، حکم عدم قصاص مادر را پذیرفته و حکم پدر را به مادر تعمیم داده‌اند. ادله اصلی آنها آیات (ر.ک.، بقره: ۸۳؛ ر.ک.، نساء: ۳۶؛ ر.ک.، اسراء: ۲۴؛ لقمان: ۱۴) قاعده درأ و رابطه عاطفی مادر و فرزند است. مشهور فقهای امامیه با توجه به عمومیت ادله، قصاص مادر را ملحق به پدر نمی‌دانند، اما فقهای اهل سنت و برخی از فقهای امامیه برخلاف نظر مشهور، رابطه والدیت را ملاک اصلی حکم استنباط کرده و مادر را به پدر ملحق نموده و حکم به عدم قصاص مادر می‌دهند.

فهرست منابع

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۴). من لایحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۰۵). المغنی مع الشرح الکبیر. بیروت: دارالفکر.
۳. ابن منذر، ابراهیم (۱۴۲۵). الاشراف علی مذاهب اهل العلم. بیروت: مکتبه الثقافه.
۴. ابن نجیم الحنفی، زین الدین بن ابراهیم بن محمد (۱۴۱۸). البحر الرائق. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. اسحاقی، محمد (۱۳۸۰). مجازات پدر و مادر در جرم کشتن فرزند. تهران: سفیر صبح.
۶. الترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (۱۹۹۸). الجامع الکبیر (سنن). مصحح: بشار عواد معروف. بیروت: دارالغرب الاسلامی.
۷. الجزیری، عبدالرحمن بن محمد عوض (۱۴۱۱). الفقه علی المذاهب الاربعه. بیروت: دارالفکر.
۸. الحر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۹. حسن زاده، محمد جواد (۱۴۰۱). دلایل فقهی - حقوقی عدم قصاص پدر در قتل فرزند. ششمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق. تهران.
۱۰. زراعت، عباس (۲۰۰۴). قتل فرزند توسط مادر در فقه شیعه. نشریه بازتاب اندیشه، شماره ۵۰، ۲۵-۳۱.
۱۱. سعدی، ابوالحسن علی بن حسین بن محمد (۱۴۰۴). التفت فی الفتاوی. محقق: صلاح الدین الناهی. ریاض: نشر مؤسسه الرساله.
۱۲. سیدعلی جبار، گلپایگانی ماسوله (۱۳۸۸). بررسی فقهی نقش تفاوت جنسیت پدر و مادر در مجازات جرم فرزندکشی در فقه شیعه. نشریه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، ۱۶ (۵)، ۹۱-۱۲۱.

۱۳. الشیرازی، ابواسحاق ابراهیم بن علی (۱۴۱۲). المذهب فی فقه الامام الشافعی. محقق: محمد زحیلی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۴. قادری چرمهینی، فاطمه، هادیان، مهدی، و هادیان، حامد (۱۳۹۶). تأملی در باب مجازات پدر و مادر در قتل فرزند از منظر فقهی - حقوقی. کنفرانس سالانه پژوهش های حقوقی و قضایی، ۱۲-۲۷.
۱۵. الکاسانی الحنفی، علاءالدین ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۶). بدایع الصنایع فی ترتیب الشرایع. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۶. مرادزاده، احسان، گلی شیردار، محمدحسن، و نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی مجازات فرزندکشی در فقه اسلامی. نشریه مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۲۶، ۱۹۵-۲۱۸.